

از دانشگاه تهران
تاشکنجه گاه ساواک

گفتگو با جلال رفیع

وایت، مبارزات دانشجویی
و حکایت کمیتهٔ مسرک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی

www.ketab.ir

سرشناسه: رفیع، جلال، - ۱۳۳۳

عنوان و پدیدآور: از دانشگاه تهران تا شکنجه گاه ساواک: روایت مبارزات دانشجویی و حکایت کمیته مشترک ضد خرابکاری / گفتگو با جلال رفیع

مشخصات نشر: تهران: موزه عبرت ایران، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص. مصور

شابک: 978-964-06-6805-4

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان دیگر: روایت مبارزات دانشجویی و حکایت کمیته مشترک ضد خرابکاری.

موضوع: رفیع، جلال، - ۱۳۳۳

موضوع: دانشجویان -- فعالیت های سیاسی

موضوع: جنبش های دانشجویی -- ایران -- تاریخ

موضوع: زندانیان سیاسی -- ایران

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۲۰ -- زندان و زندانیان

شناسه افزوده: موزه عبرت ایران

رده بندی کتاب: DSR ۱۵۳۳/۵/۷۲۳ ۱۳۴۴

رده بنده یویو: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

شماره ستا بیا ملی: ۱۱۳۹۵-۸۴ م



موزه عبرت ایران

دانشگاه تهران
شکنتجه گاه ساواک

گفتگو با جلال رفیع

روایت مبارزات دانشجویی

و حکایت کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی

زمان مصاحبه: شهریور ۱۳۸۲

تدوین: موزه عبرت ایران

ویرایش: رضا رفیع

حروفچینی: عزیزا... میری

طراحی جلد: سعید زاشکانی

چاپ و صحافی: متیران

نوبت چاپ: سوم - بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۶-۶۸۰۵-۴

ISBN: 978-964-06-6805-4

هر گونه استفاده از این اثر، منوط به اجازه رسمی از «موزه عبرت ایران» است.

نشانی مرکز پخش: میدان امام خمینی (ره)، ابتدای خیابان فردوسی، کوچه طبس،

خیابان شهید یارجانی، پلاک ۱۱ - موزه عبرت ایران

تلفن: ۶۶۷۲۲۰۹۶-۷ نمابر: ۶۶۷۲۷۰۹۷

نشانی اینترنتی: www.ebratmuseum.ir

فهرست مطالب

فصل اول ۲۳

دستگیری و انتقال به زندان «کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی» / علل دستگیر شدن / برادری رژیم از درگیری‌های داخلی / آثار انتشار بیانیه «تغییر ایدئولوژی» / آثار خروجی «جیمی کارتر» / تحت فشار قرار گرفتن حکومت‌های وابسته به آمریکا / آزادی / علل آزادی

فصل دوم ۳۳

سال ۱۳۵۴، از کوی دانشگاه تا بازداشتگاه «کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی» / ورود به «کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی» / شکنجه‌های زندانیان / «تاق تمشیت و پذیرایی» / احساس شکنجه شدن / سلول‌های «کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک و شهربانی»

فصل سوم ۴۷

«کمیته مشترک» و حساسیت ساواک نسبت به دانشجویان / برگه‌هایی از تاریخچه فعالیت‌های دانشجویی (در دهه ۵۰) / تظاهرات خیابانی دانشجویان / اسامی برخی از دانشجویهای مبارز / علل گسترش تظاهرات در خیابان‌های تهران / دغدغه فعالیت‌های گسترده دانشجویی در «سلول» کمیته مشترک / تظاهرات

مسجد ارگ و خیابان بوذرجمهری / درگیری‌هایی که به کشته و مجروح و دستگیر شدن انجامید / دشواری حفظ اسرار و اطلاعات در «کمیته مشترک»

فصل چهارم ۶۵

«کمیته مشترک» و دغدغه کتاب‌ها و جزوه‌های سیاسی (در مراحل بازجویی) / «ارتجاع مدرن» / «تماز، تسلیم انسانی عصیانگر» / «صبر، انسان، قرآن» / «اصول خاکبر بر روابط اقتصادی» / شعرها و سرودهای انقلابی / شب تلخ آن ملاقات شیرین / «زیر شلاق و سایه باتوم ...»

فصل پنجم ۸۱

«کمیته مشترک» و اتمام عضویت در سازمان‌های چریکی / یارگیری «شریف واقفی» برای سازمان مجاهدین خلق / بحث‌هایی که به نفع ما تمام شد / بیانیه «تغییر ایدئولوژی» سازمان مجاهدین در کمیته مشترک ساواک و شهربانی

فصل ششم ۹۱

از زندان «کمیته مشترک» به زندان «اوین» / با روحانیون و چریک‌ها در «اوین» / دیدار با رجوی و سران سازمان / دیدار با آیت‌الله طالقانی و دیگر روحانیون / خاطره‌ای از موسیقی در زندان / با «جبهه» «تماز، تسلیم انسانی عصیانگر» در اوین / کلاس‌ها و فعالیت‌های داخل زندان / تاثیر مذهبی در زندان اوین / بحث و گفتگوی زندانیان در مورد بیانیه «تغییر ایدئولوژی»

فصل هفتم ۱۰۵

چند دیدار و گفت‌وگو در بازداشتگاه «کمیته مشترک» / دیدار با صفری لنگرودی (محکوم به اعدام) / با هاشمی رفسنجانی در بازداشتگاه کمیته (و اوین) / در همسایگی دکتر لیافی‌نژاد (محکوم به اعدام) / دیدار با صفر قهرمانی در کمیته مشترک (پس از سی سال سابقه زندان) / سرود فلسطینی و تصنیف ترکی / طنز زندانی (طنز در زندان) / مرغ سحر - مرغ پکر!

فصل هشتم ۱۲۳

ارسال پیام از بازداشتگاه «کمیته مشترک» به زندان قصر (بدون اطلاع پیام‌بر!) / مبادله پیام در زندان و خطر افشا شدن / بهره‌گیری از طنز و شعر در ارسال پیام / یادی دیگر از شکنجه‌شدگان / سوق دادن به سمت انتحار

فصل نهم ۱۳۵

پس از زندان / نقد افکار «مجاهدین خلق» / نقد مخالفین احساساتی و افراطی مجاهدین خلق / نگاشتن جزوه‌های جدید / نقد اندیشه‌های مارکسیستی

فصل دهم ۱۴۳

سال ۵۶، سال دستگیری دوم و ورود مجدد به بازداشتگاه «کمیته مشترک» / قرار دیدار با دکتر شریعی در منزل فخرالدین حجازی / جلسه مناظره دکتر بهشتی و آشوری (نویسنده کتاب توحید) / مقایسه کمیته در سال ۵۶ با سال ۵۴ / هدف‌ها و انگیزه‌های مبارزین / فعالیت‌های پس از پیروزی انقلاب

فصل یازدهم ۱۶۵

بار دیگر «کمیته» و «خاطره» / آثار و نتیجه‌ها در جسم و روح زندانیان / به حرکت درآمدن دیوار سلول! / آخرین خاطره از بازداشتگاه کمیته / قلب قفس شکست! (شعر «بند»، شعر «سلول»)

ضمائم ۱۷۷

درگیری‌های داخل زندان و سوء استفاده ساواک از آن / مرگ‌دشت جزوه «نماز، تسلیم انسان عصیانگر» در زندان و دانشگاه / گفتگو با دکتر لبافی‌نژاد در آستانه شهادت / شیوه موریس زدن (گفتگوی دیواری) / متن سه روز من «زمان»، «گلگون تنان»، «شریعی»، «ثارالله» / دروغ از پدر (به یاد پدرم و مردم حاج محمود رفیعی) / اسناد و عکس‌ها

اشارات

این کتاب، محصول گفتگو با یکی از چهره‌های فرهنگ و ادب و یکی از زندانیان سیاسی قبل از انقلاب است که همزمان با دیدار از موزه عبرت (زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری) ماوراء در سال ۸۲ انجام گرفته است. در مورد این کتاب، نکات ذیل قابل توجه است:

الف- آنچه مطالعه می‌کنید، اولاً «تمام خاطرات» نیست بلکه فقط بخشی از آن است. ثانیاً این نه یک متن تألیفی، که گفتاری است و با حفظ محتوا به نوشتار تبدیل شده است. همان مقدار هم نه به اقتضای تألیف «کتاب» و تبعیت از نظم و ترتیب مخصوص به آن، بلکه در حال و هوای احساس برانگیز مجلس «گفتگو» و به اقتضای آن روایت شده؛ و البته تغییراتی در تبدیل زبان محاوره به نثر و کتابت و نیز تنظیم «پرسش‌ها» به صورتی که حتی المقدور به جد تنوع و مانع خستگی خوانندگان شود، در متن آن صورت پذیرفته است. انتظار می‌رسد که ملال احتمالی ناشی از تکرار و اطاله کلام در بعضی موارد ناگزیر، با استفاده از زبان «طنزآمیز»ی که در خلال این روایت محسوس و مشهود است، جبران شدنی باشد.

ب- همچنین هرگاه «توضیحات» بیشتری لازم بوده، در پاورقی یا در بخش

پایانی کتاب (ضمائم) یا در متن، آورده شده است. بسیاری از این توضیحات نیز همانند خود متن خواندنی به نظر می‌رسد.

ج- اکنون «سی سال» از زمان وقوع این خاطره‌ها گذشته و معمولاً به همین دلیل ثبت و ضبط جزئیات تا حدودی با مشکل مواجه است و از قلم افتادن برخی اسامی و حوادث و خاطره‌ها نیز محتمل است. معذک تلاش و دقت لازم برای یادآوری و بازگویی رخدادها در حد امکان صورت گرفته است. (البته این نیز یک قاعده کلی است که در مقام نقل وقایع توسط مبارزین، صرف‌نظر از احتمال اشتباه، گاه «تفسیرها»ی مختلفی از یک واقعه وجود دارد و منشاء تفاوت روایات می‌شود.)

د- «تنوع» در روایات در این گفتگو جاذبه متن را تا حدی افزایش داده و علاوه بر نقل مشاهدات و رخدادها، دوران بازداشت و بازجویی زندانی و دیگر هم‌بندها و همسالان‌ها گزارش‌هایی از وقایع «جنبش انقلابی و مذهبی دانشجویان دانشگاه تهران در دهه پنجاه» را نیز کم و بیش روایت کرده است. این بخش از گفتگو می‌تواند برای کسانی که به‌تازگی به‌تازگی در مورد جنبش دانشجویی دهه پنجاه پژوهش می‌کنند، قابل تأمل باشد.

ه- بخش اعظم خاطرات زندان، با تمرکز بر روی «کمیته مشترک ضد خرابکاری» بیان شده است. هرچند به اقتضای گنگر از زندان اوین (بندهای ۱ و ۲) هم سخن گفته شده، ولی بخش مربوط به «زندان اوین» به دلیل اوج‌گیری اختلافات فکری و عملی زندانیان سیاسی در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ (پس از انتشار بیانیه تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق^۱) به «کتاب مستقل»^۲ نامند خواهد بود. چنانچه بخش مربوط به مبارزات دانشجویان در دهه پنجاه نیز مستقل قابل بررسی و پیگیری است.

و- یکی از ویژگی‌های این کتاب آن است که موفقیت زندانیان را در حفظ و حراست اطلاعات مبارزاتی از دستبرد دشمن (ساواک) که به مدد ترکیبی از ایمان

۱- ر.ک: کتاب سه جلدی سازمان مجاهدین خلق (از پیدایی تا فرجام)؛ تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۵ - توضیح ناشر.

و آگاهی، مقاومت و تحمل، تدبیر و فراست، تفضل و تقدیر الهی در کنار عامل تصادف در سیر طبیعی امور میسر می شده است نیز روایت می کند. و نشان می دهد که دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه با همه تجهیزات و توانمندی هایش و علیرغم همه زجرها و شکنجه هایی که نسبت به زندانیان روا می داشت باز هم دچار ضعف بود و «ان کید الشیطان کان ضعیفاً».

www.ketab.ir